

## چهل حدیث در مورد معاملات و اخلاقیات

یکی از احادیث معتبره صحیحه مقبوله بین عامه و خاصه حدیث نبوی است که فرموده است :

من حفظ من امتی اربعین حدیثاً مما یحتاجون الیه فی امر دینهم بعنه الله عزوجل یوم القیمه فقیها عالماً و کنت له شفیعاً یوم القیمه .

هر کس چهل حدیث که مورد احتیاج است حفظ نماید طبق فرموده رسول خدا وائمه اطهار شفاعت او را مینمایند.

بعضی توهم نموده اند که مراد چهل حدیث است در عبادات ولی اطلاق این حدیث شامل احادیثی هم که راجع بمعاملات و اخلاقیات است میشود لذا در این مقاله ذکر چهل حدیث نبوی را مینمایم و مقصود و منظور از حفظ احادیث حفظ الفاظ و حفظ کتبی و حفظ از اندراس نیست و حفظ نمودن برای نقل کردن هم نیست بلکه منظور و مقصود حفظ قلبی است برای عمل نمودن بآنها.

### حدیث اول

قال رسول الله صلی الله علیه وآله .

#### البینه علی المدعی والیمین علی من انکر .

این یک قاعده ایست برای سیاسیات مدنی مقرر گردیده که عامه و خاصه تلقی به قبول نموده اند برای رفع تنازع و تشاجر چیزیکه لازم است مورد توجه شود تشخیص مدعی و منکر است.

بعضی گفته اند مدعی کسی است که **لو ترک** ، **ترک** اگر ترک دعوی کرد دعوی برچیده میشود.

بعضی گویند مدعی کسی است که بر خلاف اصل ادعا مینماید و مراد از اصل یا اصل برائت است یا استصحاب یا اصل اشتغال یا اصل صحت معامله ولی وظیفه قاضی است تمیز مدعی و منکر را دهد زیرا در کلیه عقود معاوضه به نهج واحد نیست گاهی میشود اثبات و اقامه بینه را مدعی علیه باید بکند مثل اینکه مدعی میگوید این متاع را فروخته ام بهزار تومان و مدعی علیه میگوید خریدم پانصد تومان چون در اصل انتقال متفق القول میباشد و نزاع در قیمت است مدعی علیه در حقیقت مدعی برائت از مازاد بر پانصد تومان است و اثبات برائت را باید بنماید در کلیه عقودیکه اصل عقد مفروغ عنه است و نزاع در اقل و اکثر قیمت است یمین متوجه بفروشنده است که منکر زیادتی است و از این جهت است

### چهل حدیث در مورد معاملات

که اگر کسی مدعی شفعه باشد و نزاع او با مشتری راجع بمقدار ثمن باشد اقامه بینه برای مقدار ثمن با مدعی علیه است و یمین متوجه بمدعی شفعه است که منکر مازاد است و در بعضی موارد که شارع قول مدعی را قابل قبول دانسته مثل قول امین در ودیعه و قول وکیل در تصرف بمقتضای لیس علی الامین الایمین قسم متوجه بامین است که منکر خیانت است و در بعضی موارد که امری باشد که لا یعلم الا من قبل المدعی مثل مدعی اداء وجوهات و دعوای زوجه برای استطاعت خود از حیث مال و دعوای ضرر یا مظنه ضرر و دعوای او برای طهر و حیض و عده و امثال آنها که بدون بینه و اتیان به یمین دعوی پذیرفته میشود ولی در سایر دعاوی شرعیه بعهده مدعی است اثبات نماید بینه و با عجز از اثبات قسم متوجه بمدعی علیه است.

### حدیث دوم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

#### اقرار العقلاء علی انفسهم جائز.

حجیت اقرار بحکم عقل و اجماع فرقه امامیه و بسیره مستمره و روایات عدیده ثابت و محقق است و چون اقرار طریق الی الواقع است در مواردیکه از طریق دیگر واقع شد و کذب اقرار معلوم گردید اثری بر اقرار نیست و مقربه اگر مالی باشد البته مقرماً خود باقرار است ولی اگر مقربه نسب باشد مثل اینکه پدری اقرار نموده باشد که این طفل فرزند من است و در مقابل او دیگری هم اقرار بفرزندگی او نماید که دو نفر مدعی ابوت طفلی شوند اقرار هیچکدام مثبت نسب نیست و باید نسب را به بینه اثبات نماید و اگر پدری اقرار بفرزندگی طفلی کرده و فوت شده و ورثه متوفی منکر نسب طفل مذکور شوند منازعه محقق شده و کلیه علمای امامیه قدیماً و حدیثاً اتفاق نموده اند که اقرار پدر مثبت نسب نیست و اثبات نسب را فقط به بینه باید نمود و حتی اگر زوجه متوفی هم اقرار نماید که این طفل از صلب متوفی و از بطن من است اقرار او هم مثبت نسب نیست ولی نسبت بخود زوجه مؤثر است هر گاه حق او ربیعیه بوده ثمن میبرد و بقیه ربیعیه او را بآن طفل میدهند.

و نیز اقرار متهمین که نزد بازپرس ها نمایند مثبت کیفر نیست زیرا ممکن است بطور زجر یا بعنف و تهدید و تطمیع اقرار نموده باشند دادرس ها گاهی راه ناصواب میروند و اقرا را مثبت نسب قرار میدهند و این نظر مخالف اجماع فقهاء است.

### حدیث سوم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

#### لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام.

اخبار کثیره در نهی و نفی از ضرر و اوردن ضربه است و بمقتضای اخبار و اوردن اجماع علمای امامیه هر کسی ضرر بزند ضامن است قال علیه السلام من اضر بشیئی فهو ضامن و در روایت دیگر من اتلف شیئاً ضمنه ولی اگر بدون قصد اضر از ضرری وارد شود حکم بضمنان مشکل است مثلاً

در خانه خود آتش روشن نموده از دود آتش که باد بخانه هم جوار برده همسایه متضرر گردیده است در این مورد ضمان نیست و اساساً ضررهای وارده اگر قابل جبران باشد ضرر زننده جبران نماید مثل اینکه جراحاتی کسی وارد نمود و دیده آنرا مطابق دستوری که از شرع انور رسیده داد دیگر اطلاق ضرر بر آن نمیشود بچنی در آن نیست و یک قسم از ضرر هم ضررهائی است که فقهاء عظام طریقه رفع ضرر را دستور داده‌اند آنهم مورد بحث نیست موردی که مبیع کلاً ام بعضاً معیوب باشد یا مشتری مغبون شده باشد یا سایر معاملات خیاریه که بگرفتن ارزش و تفاوت قیمت یا فسخ دفع ضرر میشود مورد بحث در مواردی است که ضررها ضرر عینی باشد یا ضرر حکمی مثل اینکه در خانه خود حفر چاه بالوعه مینماید در صورتیکه چاه آب خانه همسایه نزدیک است و قطعاً مضر بآب چاه است یا عمارت فوقانی در خانه خود بنامیکند که کاملاً آفتاب و مهتاب خانه همسایه گرفته میشود که از حیث حکم تکلیفی و وضعی مورد گفتگو است از نظر قانون تسلیط نمیتوان او را منع نمود و از نظر قاعده لاضرر میتوان جلوگیری نمود و محققین از علماء قاعده لاضرر را لازم الرعایه دانسته و قائل بحرمت اینگونه تصرفات شده‌اند که اینک قانون مدنی هم تصریح شده که هر کس میتواند در ملک خود انواع تصرفات را بنماید مادامیکه مضر به همسایه نباشد.

#### حدیث چهارم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

درهم ربا اعظم من سبعين زنيه .

و در حدیث دیگر فرموده .

يا علي الربا ، سبعون جزء فایرها مثل ان ینکح الرجل بامه فی بیت

الحرام ولعن رسول الله آكله و بایعه مشتری و کاتبه و شاهده هر گاه غوررسی

در معاملات که میشود بنمائیم غالب معاملات منهی عنها است بخصوص معاملات ربوی که

نهی شارع باصل معامله است نه بشرائط و ارکان آن و سفته کاری و برات کاری که بین تجار

متداول شده که تماماً معاملات ربوی است . اکل مال بیاطل است و خطراتی که برای محاکمات

سفته‌های مرقومه دامن گیر و کلاء و قضاة میشود و احکامیکه بعنوان دیر کرد داده میشود

بسیار است اعاذنا الله من شرور انفسنا .

#### حدیث پنجم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

لاشفعة فی سفینه ولا فی نهر ولا فی طریق ولا فی حمام .

شفعه عبارت است از استحقاق شریک نسبت بمورد معامله که شریک او

در حصه خود نموده بشرطیکه قدرت دادن مال المبیعه را داشته باشد که بتواند ثمنی را

که مشتری داده نقداً بدهد و برای همسایه کافر حق شفعه نیست که بتواند متعرض

مشتری مسلمان شود و در معاملات خیاریه هم حق شفعه میباشد ولی اگر متبایعین تسلیخ

### چهل حدیث در مورد معاملات

معامله را نمایند قهراً حق شفعه از بین نیرود و اگر مشتری بعداً معاملاتی با دیگران نماید حق شفعه از بین نیرود و برای کسی که شریک در کشتی است حق الشفعه نیست اختلافی که بین فقهاء است در موردی است که بین کسیکه حق الشفعه دارد با مشتری اختلاف شود در مقدار ثمن که مشتری میگوید هزار تومان و مدعی شفعه میگوید پانصد تومان بوده است و بطوریکه سابق اشاره شده مدعی علیه باید اثبات مازاد را نماید و باعجز از اثبات قسم متوجه بمدعیه شفعه میشود که منکر مازاد است.

### حدیث ششم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**كل شئ طاهر حتى تعلم انه نجس .**

این اصل یکی از اصولی است که کثیراً مورد ابتلاست در هر موردی که شک در طهارت و نجاست شود اصالة الطهاره جاری است ولی در چند مورد استناد باین اصل مشکل است یکی در موردی که بین مشتبهات بنجاست علم اجمالی در کار باشد مثل اینکه دو ظرف آب است علم اجمالی هست که یکی از این دو ظرف نجس است در این مورد نسبت بهر یک از این دو ظرف بخواهیم بگوئیم مورد شک در نجاست است اصالة الطهاره جاری کنیم علم اجمالی جلوگیری است و گاهی شک در طهارت و نجاست ابتدائی و گاهی را جمع بموضوعی است که سابقه دارد و گاهی را جمع بموضوعی است که شبهه حکیمه است مثل نجاست عصیر عنبی و عرق جنب بحرام و گاهی را جمع بموضوعی است که اصل موضوع مشکوک است مثل فجاج که آیا خمر بر آن استعمال میشود یا خیر و فروعاً مسئله بسیار است و مقصود ذکر حدیث است و این حدیث هم مثل حدیث دیگر است که فرموده اند **كل شئ لك حلال حتى تعلم انه حرام بعينه** که این دو اصل کار را برای مسلمین سهل نموده البسه و مایعات که از خارج می آورند آیا نجس است یا میته است یا کوشتهائی که خریده میشود و معلوم نیست تذکیر شده یا میته است یا تمسک باین دو اصل استعمال میشود .

### حدیث هفتم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**من غش مسلماً في بيع او شراء فليس منا .**

معنای غش در معامله آنستکه جنسی که معیوب است فروشنده عیب آنرا مخفی نماید بمشتری نگوید و متاع را مورد معامله قرار دهد در کتاب سرائر و کلمات فقهاء است که کتمان عیب نمودن حرام است کلامیکه هست در این است که آیا عقد صحیح است و مشتری ذوالخیار است بین فسخ معامله یا مطالبه ارش یا اساساً عقد باطل است جمعی را عقیده آنستکه چون معامله که خواسته اند بکنند برای متاع صحیح بوده و اگر مشتری غش در متاع را میدانست ابداً راضی باین معامله نبوده بمقتضای ما قصد لم يقع و ما وقع لم يقصد اصلاً عقد صحیح واقع نشده و معامله باطل است در جامع المقاصد و مسالك

نوشته شده اگر فروشنده شیر آب در شیر نموده باشد و بفروشد معامله او باطل است ولی بعضی دیگر میگویند فساد یکجزء از مبیع را نمیتوان مبطل تمام عقد دانست.

### حدیث هشتم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

#### من اشتری خیانة وهو يعلم فهو كالذی خان .

کسی که عالم است که فروشنده مالک متاع نیست و ید او ید امانی است و مع ذلک از او خریداری نماید مثل فروشنده خائن محسوب است عقاب اخروی دارد صاحب مال هم میتواند بر علیه او اقامه دعوی نماید هم از حیث حقوقی و هم از حیث کیفری بسیاری از اراضی هم که درید متصرفین است ید آنها ید امانی است حق نقل و انتقال ندارند مثل از اراضی موات و بطون اودیة و انفال و اراضی مفتوح العنوة که تمام آنها مال امام علیه السلام است و در زمان غیبت درید شیعیان امانت است البته با علم مشتری که اراضی موات است اگر معامله نماید او هم خائن و غاصب مال امام علیه السلام شده است.

### حدیث نهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

يا اعلی من لم یحسن وصيته عند موته كان نقصاً فی مروته و عقله  
و لم یملك الشفاعة .

غالب وصیتها وصیت خیر الوصیته نیست خداوند فرموده :

کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیر الوصیة للوالدین  
والاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین .

روایتی از حضرت صادق علیه السلام است که هر میتی را در وقت موت گوش و چشم و عقل او را باو میدهند که وصیت بخیر نماید پیغمبر و ائمه وصیت آنها بتقوی و پرهیزکاری و عمل بواجبات و اجتناب از محرمات بوده ولی وصیتهای ماها غالباً تقسیم نامه مالی است آنها مخالف دستور الهی است ثلث مال را باید برای خود تعیین نماید مازاد از ثلث صحت آن منوط با اجازه ورثه است.

بعضی وصیتی مینمایند که ورثه را محروم از ارث نمایند بعضی دیگر تمام اموال را برای ورثه تقسیم و خود را نسبت به ثلث خود محروم مینمایند و اگر وصیت خیر هم کسی بکند اوصیاء عمل مینمایند بهتر همانا که بفرموده رسول الله عمل شود که فرمود کن وصیا لنفسک و وصیت نامه خود را وصیت بتقوی و پرهیزکاری قرار دهند.

### حدیث دهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

#### الحجة ثوابها الجنة العمرة كفارة لكل ذنب .

اخباریکه در ثواب حج رسیده است بسیار است عربی عرض کرد یا رسول الله آمدم برای

### چهل حدیث در مورد معاملات

حج نرسیدم عملی بفرما که جبران کنم حضرت اشاره بکوه ابی قبیس کرد و فرمود اگر این کوه طلا و قره شود و همه را در راه خداوند صدقه دهی بثواب حج نخواهی رسید کسی که می رود به حج هر قدمی بر دارد ده حسنه برای او نوشته شود و ده سیئه محو و ده درجه برای او قرار میدهند وقتی طواف کرد از تمام گناهان پاک میشود

### حدیث یازدهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

من لم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم .

هر کس اهتمام و جدیت نکند برای کارهای مسلمانان مسلمان حقیقی نیست در عین حال که رفع ظلم و فریادرس و کمک از مظلوم واجب است و فرموده مولای متقیان که فرموده است .

كونوا للظالم خصماً وللمظلوم عوناً .

آقایان قضاة و وکلاء عظام باید سعی در اصلاح ذات البین نمایند بمقتضای فاصلح بین اخویکم دعاوی اصحاب دعوی را باصلاح خاتمه دهند روایتی رسیده است از امام ششم که فرموده است هر گاه منازعه بین شیعیان پیدا شد اهتمام و جدیت در اصلاح نمائید مهما ممکن سعی در اصلاح لازم است حقاً ام باطلا دعاوی اصلاح شود اولی است .

### حدیث دوازدهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

ایاک وملاحاة الرجال .

ملاحات بمعنی منازعه است خداوند فرموده و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب

ربحکم .

منازعه و مجادله حیثیات و آبرورا میبرد و قوه غضبیه که آمد دین و ایمان را میبرد امام علیه السلام فرموده یا شیعیه آل محمد اعلموا انه لیس منا من لم یملك نفسه عند غضبه ازما نیست آنکه منازعه و مجادله کند و نتواند غضب خود را فرونشاند در مورد مجادله آیه شریفه را در نظر گیرند قال الله تعالی و اذا رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره جدال نمودن در محاکمات برای اینکه حتی را باطل یا باطلی را حق نمایند بدترین جدال ها است ویل لمن باع دینه بدنیاً غیر .

### حدیث سیزدهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

حرم الجنة علی کل فحاش قلیل الحیاة لایالی ما قال و لا ما قیل .

### چهل حدیث در مورد معاملات

جابر بن عبدالله گوید رسول خدا فرمود شریکترین مردم کسی است که فحش دهد صادق آل محمد فرمود بسماعته بن اعین چه اختلافی باجمال داشتی گفت بمن ظلم کرده فرمود توهم فحش دادی استغفار نما غالباً وکلاء داد گستری در ضمن لوائح الفاظ خالی از نزاکت و فحاشی مینمایند این رفتار و گفتار از وکلاء که برجسته ترین مردم هستند صحیح نیست.

### حدیث چهاردهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

### اتقوا الظلم فإنه ظلمات يوم القيمة .

مکرر فرموده کن فی الدنيا مظلوماً و لا تکن ظالماً البته دفع ظلم و همراهی با مظلوم از واجبات است اگر و کیلی موکل را مظلوم دید واجب است حتی الامکان رفع ظلم نماید گرفتن جعاله برای واجبات هم صحیح نیست و اگر درین رسیدگی مدعی علیه را مظلوم دید باید از وکالت خود استعفاء دهد و کناره گیری نماید آقایان قضاة هم شایسته است همیشه آیه شریفه و اذا حکمتهم بین الناس فاحکموا بالعدل را در نظر گیرند اگر خدای نکرده حکم ناحق داده شود یا بی گناهی را محکوم یا مقصر یا بی تقصیر یا حقی را باطل یا باطلی را حق نمایند سوء عاقبت دارند و هکذا سایر افراد اگر ظلم نمایند خداوند فرموده لعنة الله على الظالمين .

### حدیث پانزدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

### عدل ساعة خير من عبادة ستين سنة .

عدالت در تکالیف شرط نیست ولی در اموری عدالت شرط است یکی در خصوص شهادت است که فرموده فاستشهدوا ذوی العدل منکم یکی برای قاضی است یکی برای مترجم یکی برای عامل صدقات یکی برای مقسم یکی برای نایب یکی برای امور غائب یکی برای مجنون یکی کسیکه ضم امین قرار داده میشود یکی وصی یکی کسیکه ودیعه نزد او گذارده میشود یکی برای مطلق یکی کسیکه نزد آنها طلاق گفته میشود یکی امام جماعت و یکی برای وکلاء هر چند بعضی عدالت را برای وکالت شرط ندانسته اند ولی بسیاری از فقهاء نوشته اند یشرط فی الوکالة العدالة بلکه عدالت را برای امام جماعت حسن ظاهر دانسته ولی برای قاضی و وکیل عدالت را ملکه تقوی میدانند زیرا اموال و اعراض و نفوس در ید آنها است.

### حدیث شانزدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

الا انبئکم بشرارکم قالوا بلی قال المشائون بالنميمة المرفقون بین الاحبة الباغون للبراء العیب .

### چهل حدیث در مورد معاملات

بدترین صفات رذیله نامی و تفریق انداختن بین دو نفر دوست و ظلم نمودن بکسی که بری است از بدیها.

متأسفانه در این زمان تمام طبقات عیب جوئی و بد گوئی از همکاران خود مینمایند بتصور اینکه ازین رفتن آنها مورث ترقی آنها است **نعوذ بالله من شرور انفسنا**.

### حدیث هفدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليوف اذاً وعد**

ایفاء بعهود وفاء بعهود از واجبات است مگر در صورتیکه انجام امر غیر مقدور و موضوع تعهد ازین برود مثل اینکه زید و کالت داد که از عمر طلب اورا وصول و ایصال نماید و عمر فوت شود یا متعهدی که تعهد نمود محافظت محصولات را بنماید و محصولات تلف سناوی ازین برود و بالجمله ادله ایفاء بعهود متعهد را الزام بوفاء نموده مادام که موضوع باقی است و با تعذر از انجام متعهد به بحثی براونست و فاء بعهود هم همین طور است اگر موضوع منتفی گردید تعهد ازین میروند.

### حدیث هجدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**يا علي من بعد الله بغير علم كان ما يفسد في دين الله اكثر مما يصلح**

**وكان مثله مثل الاعمي .**

چون کلیه احکام الهی باید با علم و معرفت یا از روی اجتهاد یا تقلید باشد و معاملات هم آنچه را که شارع تجویز فرموده عمل شود و از معاملات منهی عنها اجتناب گردد عقود شرعیه و عقود فاسده را مجتهد تشخیص میدهد پس اگر کسی که بر تبه اجتهاد نرسیده تصرفاتی و معمولاتی قرار دهد همان است که برای علماء سوء گفتند که **هؤلاء اضر لشیعتنا من جیش معاویه** یا اگر عامی عملی نماید که از شرع انور تجویز نشده در ضلالت و گمراهی است و کور کورانه هر عملی را نماید باطل و معاقب خواهد بود.

### حدیث نوزدهم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**شر بقاع الارض الاسواق و هي ميدان الشيطان .**

غالب معاملات بازارها مخالف دستورات شرع و مرکز شیطان بازارها است و لذا خبری رسیده کسی که بخواهد از شر شیطان ایمن گردد وقتی وارد بازار میشود بگوید **اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله اللهم انی استلک رزقاً حلالاً طیباً و اعوذ بك من ان اظلم او اظلم** تا از شر شیطان ایمن گردد.

حدیث بیستم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**ياتي زمان على امتي يشكون فيه ربهم يقول الرجل والله ما برحت  
شيئا ولا اكل ولا اشرب من راس مالي .**

این حرف کسبه و بازاریهای دوره ماها است پیغمبر فرمود و يحك اصل مالك  
من ربك چون دروغ میگویند و میخواهند باضعاف مضاعف نفع ببرند لذا برکت از آنها  
برداشته شده است .

حدیث بیست و یکم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**التاجر ان صدقا بورك لهما و اذا كذبا و خانا لم يبارك لهما .**  
در معاملات راس المال دروغ میگویند اگر حقیقت خرید خود را بگویند  
و مشتری هم حقیقت را گوید معامله صحیح و با برکت میشود و اگر طرفین مخالف حقیقت  
گویند دلال معامله هم مخالف گوئی نماید طرفین مغرور شوند معامله باطل خواهد بود .

حدیث بیست و دوم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**البيعان بالخيار ما لم يفترقا .**

خيار مجلس در تمام معاملات هست و بعضی این خيار را مخصوص معاملات  
معاطاتی و معاملاتی که با عقود جایزه است دانسته اند ولی در کلیه عقود این خيار هست  
مگر در ضمن عقد شرط سقوط آن شده باشد و هر وقت از هم جدا شدند خيار مرقوم ساقط  
میگردد بشرطیکه بالاخيار از هم جدا شده باشند و هر گاه بالاچاره و الاکراه طرفین را جدا  
نمایند این افتراق مسقط خيار مجلس نیست و خيار آنها باقی خواهد بود .

حدیث بیست و سوم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**من اراد ان يظله الله في ظل عرشه يوم يوم لا ظل الا ظلة فلينظر  
معسرا .**

مهلت دادن بمعسر علاوه بر اینکه مهلت دهنده در سایه عرش الهی است روز قیامت  
بعوض هر روزی صدقه برای او نوشته میشود بهمان مقدار دینی که مهلت داده است و معسر  
کسی است که از تأدیه دیون خود عاجز باشد و دارائی نداشته باشد و فرق است بین  
افلاس و اعسار .

مفلس کسی را گویند که بهیچوجه دارائی ندارد .

### چهل حدیث در مورد معاملات

معسر کسی است که دارائی او در دسترس او نیست.  
قانون افلاس را قانون گذار نسخ نموده و قانون اعسار را برقرار نموده آنها  
مخصوص است بموردیکه از هزینه قانونی یا محکوم به مدعی اعسار شود که بترتیبی که  
قانون اعسار حکم فرماست با او عمل میشود و از تجار که دارائی آنها مکفی بقروض آنها  
نیست دعوای اعسار پذیرفته نیست بلکه میگویند باید دادخواست توقف دهد تا دارائی  
و مطالبات بین دیان تقسیم شود لکن بمیزان شرع کسی که مفلس شده میتواند از دیان  
استمهال نماید دیان هم طبق احادیث مهلت کافی بدهند عسرو حرج در تکالیف هم برداشته  
شده است و فرموده است **یرید الله بکم اليسر ولا یرید بکم العسر**.

### حدیث بیست و چهارم

قال رسول الله صل الله علیه وآله :

**اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلوة والزکوة .**

روایتی است از صادق آل محمد علیه السلام که فرموده اصلاح بین دو نفر نمودن  
بهبتر است که دودینار صدقه دهم و فرمود اگر دیدید نزاعی بین دو نفر شیعیان ما است اصلاح  
دهید آنها را از مال من این بود که مفضل دید دو نفر با هم نزاع مینمایند آنها را  
برد بمنزل اصلاح داد بچهارصد درهم و پول را داد و گفت این پول از مال من نیست  
بلکه از مال حضرت صادق علیه السلام است خداوند هم فرموده است **فاصلحوا بین  
اخویکم** روایتی هم وارد شده **المصلح لیس بکذاب** اگر برای اصلاح دو نفر دروغ  
بگویند این دروغ مصلحت آمیز است و کذب نافع بهتر از صدق ضار است شایسته است و کلاه  
و قضاة در هر دعوائی سعی در اصلاح نمایند تا ماجور عند الله شوند.

### حدیث بیست و پنجم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

**ان الله حین اهبط الی آدم الارض امره ان یحترث بیده لیاکل من کده .**  
اخبار کثیره دیگر هم از ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است در فضیلت  
کشت و ذرع و در آداب زراعت ادعیه هم رسیده برای برکت یافتن کشت و زرع از آن جمله  
زارع در وقت پاشیدن تخم بگوید **افرا یتم ما تحرثون** ، انتم تزرعونه **ام نحن  
الزارعون** و مستحب است هر کس در هر سالی یک درخت غرس نماید البته اگر بیستور  
شرعی زرع نمایند خداوند هم برکت میدهد **فی کل سنبله مائة حبة** که تخم هفتصد تخم  
میشود خداوند فرموده **ولو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات  
من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون .**

قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم :

**لیس منا من خان بالامانة و اداء الامانة یجلب الرزق و الخیانة**

**یجلب الفقر .**

امانتی را که خداوند بر بندگان قرار داده و فرموده **انا عرضنا الامانة على السموات و الارض فابین ان یحملنها و حملها الانسان انه كان ظلوما جهولا .**

وامانتی را که رسول خدا قرار داده که قرآن و عترت است که معلوم است چه خیانتها شده و میشود این حدیث مربوط بامانتهای مردم است خداوند هر پیغمبری را فرستاده مردم را امر بصدق و راستی و اداء امانت نموده است امام ششم فرموده مغرور نکند شما را کثرت نماز کسی بلکه باید بشناسید هر کس را بصدق حدیث و اداء امانت در خبر دیگر **لا تنظر و ابطول رکوعه و سجوده ولكن انظر و بصدق حدیثه و اداء الامانة** باز فرموده است چند چیز است که هیچ عذری پذیرفته نیست در ترك آن یکی اداء امانت است از کافر و فاجر باشد یا از مؤمن خیانت جایز نیست و اداء امانت آنها واجب است.

### حدیث بیست و ششم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**مثل مؤمن لا تقية له كمثل جسد لا رأس له .**

در خبری فرموده من لا تقية له لا دين له امام ششم فرموده است والله هیچ چیز در نزد من محبوبتر نیست از تقیه نمودن در بعضی موارد تقیه جایز نیست قاضی یا وکیل نمیتواند تقیه نماید بلکه با کمال شهامت و شجاعت باید حق گذاری نماید.

### حدیث بیست و هفتم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

**إذا رأيتم أهل الریب والبدع من بعدی فاطهر و البرائة منهم .**

دوری نمودن از کسانی که بدعت در دین میگذارند واجب است امام ششم فرموده مرد فقیری بود آنچه جدیت کرده از راه حلال ثروت پیدا نماید موفق نشده پس جدیت کرد که از راه حرام ثروت پیدا کند باز موفق نشد متحیر مانده بود شیطان نزد او آمد و گفت اگر ثروت میخواهی من تعلیم می کنم گفت چه کنم دستور داد بدعتی در دین بگذار یا دینی اختراع نما او هم دینی تازه اختراع نمود باندک زمانی صاحب ثروت شد با خود گفت عجب کار بدی کردم در مقام توبه برآمد آنچه کرد کسانی را که دعوت باین دین اختراعی کرده بر گرداند از او قبول نکردند گفتند دین حق همین است و تو از دین خود برگشته ای ناچار غل بگردن خود انداخت و بدر گاه الهی توبه مینمود خطاب شده است به پیغمبری باو بگو محال است توبه تو را قبول کنم بعزت و جلالتم قسم که اگر آنچه دعا کنی که نفس تو قطع و رکهای تو منقطع گردد توبهات را قبول نخواهم نمود مگر آنهایی را که گمراه کرده بر گردانی

چهل حدیث در مورد معاملات

### حدیث بیست و هشتم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

#### رأس العقل بعد الايمان التوود الى الناس .

دوستی نمودن با مردم محبوب عندالله است عربی از بنی تمیم رسید خدمت رسول خدا عرض کرد عملی بمن تعلیم فرما فرمود دوستی کن با کلیه مردم امیرالمؤمنین علیه السلام رو بکوفه میرفتند یکنفر یهودی همراه حضرت آمد پرسید کجا میروید فرمودند کوفه میروم رسیدند بر سر دو راه مرد یهودی براه خود رفت امیرالمؤمنین ؛ از عقب او رفتند گفت راه کوفه از آنطرف است فرمودند میدانم ولی پیغمبر ما دستور فرموده که با کسی که مصاحبت میکنید همراهی با او نمائید لذا چند قدم در مشاغت تو آمدم مرد یهودی که این سخن شنید گفت اشهدان لاله الا الله و اشهدان محمداً رسول الله صم مسلمان شد .

### حدیث بیست و نهم

قال رسوا لله صلى الله عليه وآله :

#### ان من اشترط الساعة اضاءة الصلوات والتباعد الشهوات .

آخرین وصایای پیغمبر بامت این است که فرمود احب اعمال نزد خداوند نماز است در این دوره از زمان نوعاً نمازها را ضایع نموده و دنبال شهوات نفسانی هستید اللهم بلغ مولانا الامام المهدي صلوات الله عليه .

### حدیث سی ام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

#### يا اباذر لا تنظر الى صغير الخطيئه وانظر الى من عصيت .

همه گناهان در حقیقت کبیره است النهایه گناهایی را که در قرآن وعده آتش داده شده گناه کبیره نامیده اند امام ششم فرمود مردم سه دسته اند بعضی مومن و بعضی کافر و بعضی در ضلالت مؤمنین را خداوند وعده بهشت داده کفار را وعده آتش و مضلین اگر توبه کنند ناجی و الا معذب خواهند شد .

### حدیث سی و یکم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

#### يا ايها الناس ما من شئى يقربكم بالجنة ويبعدكم من النار الا امرتكم

به و ما من شئى يقربكم بالنار و يبعدكم من الجنة الا وقد نهيتكم عنه .

او امریکه از شرع انور رسیده برای اداء واجبات و مستحبات راه بهشت است و نواهی شرع راه جهنم است خداوند هم فرموده خوف از خدا و ترك هوای نفسانی هر کس نماید بهشت می رود .

حدیث سی و دوم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

اللهم ارزق محمداً وآل محمد و من احب محمداً وآل محمد العفاف  
والكفاف و ارزق من ابغض محمداً وآل محمد المال والبنون .

بدیهی است مال و اولاد را فتنه قرار داده و در آیه دیگر دشمن معرفی فرموده  
و اینکه فرموده است المال و البنون زينة الحياة الدنيا دنباله آن فرموده است  
والباقیات الصالحات خیر .

حدیث سی و سوم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

ثلاثة من كن فيه كان منافقا وان صام وصلی و زعم انه مسلم من اذا  
تمن خان و اذا احدث كذب و اذا وعد اخلف .

بدترین صفات رذیله خیانت درامانت و دروغ است خصوص کذب برخدا و رسول  
و سومی خلف وعده است .

حدیث سی و چهارم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

ان خياركم اولوا النهی .

پرسیدند الوالنهی کیستند که بهترین مردم هستند فرمود کسی که صله رحم کند  
و بمادر خود خوبی کند و بهمسایه ها و ایتم اطعام نماید .

حدیث سی و پنجم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم .

سيدا الاعمال انصاف الناس من نفسك

هر کس که از روی بصیرت نظر نماید بر رفتار و گفتار و اعمال دیگران و بار رفتار و اعمال  
خودش موازنه نماید میفهمد در وجود خودش چه عیوباتی است و چه اخلاق رذیله است  
و در سایر مردم نیست آنوقت از عیب جوئی دیگران خودداری و در مقام تهنید اخلاق  
خود برمی آید

سزاوار است و کلای داد گستری باین حدیث عمل نمایند شخصی خدمت رسول  
خدا عرض کرد وصیتی و نصیحتی بمن بفرمائید سه دفعه فرمودند اگر بگویم عمل میکنی  
عرض کرد بلی فرمود و اذانتهمت باسی فید بر عاقبة هر وقت خواستی وارد کاری  
بشوی عاقبت آنرا تدبیر نما اگر کار خیر است بکن و اگر شر است از آن اجتناب نما .

اولین وظیفه و کلاء همین است که بدو تحقیق از صحت و سقم دعوی نمایند

اگر دعوی بی اساس است اذیت بمدعی علیه نمایند

## چهل حدیث در مورد معاملات

### حدیث سی و ششم

هم لازم است مورد توجه و کلاء شود که کتابچه اوقات دارند قال صلی الله علیه و آله

### حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا

هر شب که بمنزل میروند در کتابچه اوقات و محاکمات خود تدبیر و تفکر نمایند هر گاه عمل آنها مقرون بصواب و ثواب بود شکر نمایند و هر گاه اذیت و فساد و آهانت مؤمن بوده از گناهان خود استغفار نمایند و توبه کنند.

### حدیث سی و هفتم

هم مربوط بوکلاء است قال رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده

### ولا تترکوا الی الذین ظلمو فتمکم النار

پیغمبر فرموده شریب ترین مردم کسی است که تکیه گاه خود را ظلمه قرار دهد که اخافه مردم را نماید و پیش رفت کار خود را کند

### حدیث سی و هشتم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان اعظم الناس منزلة يوم القيمة امشاهم

### بالنصیحة .

سزاوار است و کلاء و قضاة بهر زبانی میدانند باصحاب دعوی نصیحت نمایند و آنها را امر نمایند بر راستی و درستی سخن و ادار نموده که اصلاح نمایند.

### حدیث سی و نهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله

### لا تفضب

سائلی از رسول خدا سؤال نمود که عملی باو تعلیم فرماید که بهترین عملها باشد فرمود اذهب ولا تفضب باز تکرار کرد تا سه دفعه فرمود اذهب ولا تفضب و کلاء دادگستری اگر حکمی بر علیه آنها صادر میشود بر قاضی و بروکیل طرف مقابل غضبناک میشوند این صفت خوبی نیست همیشه ملاحظه مودت لازم است

### حدیث چهلم

قال رسو الله صلی الله علیه و آله

### الصلوة خیر موضوع من شاء اقل و من شاء استکثر

برای پیش رفت کارها اگر و کلاء دو رکعت نماز حاجت نمایند هم بمقصود

خود نائل میشوند و هم درک ثوابت اخروی را مینمایند

در اخبار رسیده که ثواب نماز واجب افضل است از بیست حج مقبول بعضی اشکال کرده اند چطور نماز فریضه افضل میشود و حال آنکه جزء حج نماز طواف هم هست و دفع اشکال شده باینکه نماز فریضه افضل از حج مستحبی است یا اینکه نماز فریضه که بجماعت با رعایات آداب و سنن بشود افضل از حج مستحبی است و بالجمله فرمود نماز ستون دین است اگر نماز قبول شود سایر اعمال هم قبول میشود اگر قبول نشود سایر اعمال هم رد میشود .